

چند نامه از عبدالرحیم طالب اف تبریزی

بهمعاضدالسلطنه پیرنیا

ابوالحسن معاضدالسلطنه (پیرنیا) چند سال در یادگروه تشبیل ایران بود و همواره مورد احترام و تجلیل ایرانیان بمناسبت حمایتی که از منافع آنان می‌کرد. عبدالرحیم تبریزی مشهور به طالب اف که در ترمخان شوره مقیم بود سه‌نامه بهمعاضدالسلطنه نوشته و عکس خود را به‌یادگار برای او فرستاده است که خوشبختانه اصل آنها باقی مانده و آقای دکتر حسین پیرنیا آنها را برای چاپ در اختیار مجله گذارده‌اند.

متن نامه‌ها و عکس طالب اف را که یادگاری است از آن مرد ایران دوست و آزادگی طلب به‌چاپ می‌رسانیم تا کسانی که از کتاب «سیاست و آزادی» او (گردآوری مدیر این مجله) بهره می‌برند این نامه‌های تازه یافته را هم در دست داشته باشند.

۱. ۱.

—۱—

فدایت شوم از آنجا که صیت وطن پرستی و کفایات بالغه جناب عالی از ما تاماهی گرفته و موجب مزید دعاگویان و ثنا خوانان آن جناب گشته بنده نیز اسبی در این میدان می‌دوانم و دعایی به توفیق و ترقی آن جناب می‌گویم و می‌خواهم خدا امثال جناب عالی را برای وطن محتاج ما که جز اشخاص صادق و کافی و دوستدار وطن نقص دیگر ندارد زیاد نماید و وطن محبوب ما را از این احتیاج برهاند.

زحمت که در باب حمل کتب پنده به جناب عالی داده شده به امید لطف و عفو آن جناب است. امیدوارم خارج از جدول مکنونات وطن پرستی آن جناب نباشد.

آقای...* که حالش مستغنی از تعریف است فقط به امید خدا و لطف و محبت جناب عالی اطمینان دارد. فقط بنده عرض می‌کنم در ابتدای کار وجود اشخاص محب و صادق و پاک نفس خیلی قیمت دارد. هر چه بکنید و بدهید اولاً مستحق است، دوم می‌ارزد. علی الحساب باید او را به پیشرفت عمل تشویق نمود. البته خود عمل هر کس آیینه اخلاق اوست و بی تردید در حسن اخلاق حامل این عریضه آقای میرزا حسین خان عریض بنده موجب انفعال من نمی‌شود.

در امان خدا موفق باشید. بعد از رسیدن کتب «مسالك» و «مسائل» از هر دو نسخه تقدیم می‌کنم — زیاده زحمت نمی‌دهم.

مخلص قلبی عبدالرحیم تبریزی (۲ ربیع الاول) ۱۲ یون ۱۹۰۶

* نام شخص قابل خواندن نیست.

ایو اسکری پتو دوجی درو ا حضور جناب عبد الباقی صاحب
 که ما کور غیر مصداق و کالج وطن پرست و بانی افتخار
 کورن و ملت ایماں در فوج کار و کورن هجرت و کار در کور
 ایپ که وظیفه عظیم وطن پرستان است تقدیم بکلم که انقدر
 سنده ۱۱ در سن کار ایماں کورن و سن ۱۱ بدارند و انقدر
 سنده ۱۱ از انقدر کورن و سن ۱۱ از ما کورن و سن ۱۱
 سنده ۱۱ از انقدر کورن و سن ۱۱ از ما کورن و سن ۱۱
 ای کورن و سن ۱۱ از انقدر کورن و سن ۱۱ از ما کورن و سن ۱۱
 عا لیه که صدق استحقاق بکار و سینه برکات که در ایماں

۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰

این در حق تقدیر و کورن عبد الباقی صاحب
 منو غفر و کورن ایو اسکری پتو دوجی درو ا حضور جناب عبد الباقی صاحب
 انور که ما کورن و سن ۱۱ از انقدر کورن و سن ۱۱ از ما کورن و سن ۱۱

خط یادگار طالبان

حضور جناب عبد الباقی صاحب
 کورن و سن ۱۱ از انقدر کورن و سن ۱۱ از ما کورن و سن ۱۱

Koo Baa conapodiva

۱۲۳۴۵۶۷۸۹۱۰۱۱۱۲۱۳۱۴۱۵۱۶۱۷۱۸۱۹۲۰۲۱۲۲۲۳۲۴۲۵۲۶۲۷۲۸۲۹۳۰۳۱۳۲۳۳۳۴۳۵۳۶۳۷۳۸۳۹۴۰۴۱۴۲۴۳۴۴۴۵۴۶۴۷۴۸۴۹۵۰

nsp. Koo conapodiva



و محبت صفاست از همین دارو مقلد بنده عزیز
 که در ابتدا کار و جهد انماوی محبت و صفا قار
 یارک نفسی غیبی قیمت دارد هر چه بکنید و بدید اولاً
 متعین است دوم سررازد علی حسب پایه اول
 به پیشرفت عمر توحیدی عمده البته عفو عاصی
 آینه آشفته اول است و با ترویج و حسن اثر آن
 مدام الی عرفه آثار از حسی تا عافی
 موعظه انفعال از عرف در آن مدام موقوف
 به از سعید است مدام و سایر از آن
 نزد تقدیم سلیم از امانت نسیل
 محقق تدریس عبد الله

(۲۳۳۳۳)

فدا نیست لام از آنجا که محبت و طریقت و تقویات با لفظ غیب علی از راه
 تمام گرفته و موجب تیرید دعا کردن و شناختن آنان است غیب
 گفته بنده نیز از راهی میدانم و می دانم و در عین حال
 و تفرق آن غیب میگویم و میگویم خدا اسم است
 سوار و طریقتی است که جز از شما و معصوم و کائنات و کائنات
 و طریقتی نقص و دیگر در در راه نماز و در طریقتی
 از این اصیاحی بر راه زلفت که در باب صفا
 بنده به غیب دعا داده شده به امید لطف
 آن غیب است امید و آرام خارج از حد و اول
 و طریقتی آن غیب بنده آثار که در
 مستغنی از توفیق است فقط به امید خدا و لطف

-۲-

فدایت شوم از استعفای جناب خیلی ملول و مأیوس گشتم. نمی دانم اول رشته به کجا بند است؟ ولی یقین دارم که وزارت خارجه بعد خدمات و زحمات و کفایت جنابعالی را که داعی دعا گویی همه ایرانی مقیم ایالت بادکوبه و لکن افتخار عموم وطن پرستان بود کاملاً می داند و در نظر دارد. هزار افسوس که کارهای مفید و عمده که بنا نموده‌اید ناتمام می گذارید و مخصوص بنده را از آن شوق و بلند پروازی که در صورت جناب عالی از جوانان ایران در ابراز کفایت و غیرت داشتیم این استعفای بی موقع پر شکسته و مغموم می کند.

به هر حال در هر جا باشید مداح و دعا گوی آن جناب هستم. خدا امثال جناب عالی را به وطن محتاج ما زیاد بکند و شما را توفیق خدمت و نیل مقامات عالیه بدهد. هر جا تشریف ببرید این مخلص خودتان را گاهی از سلامتی حالات خودتان اطلاع بدهید و یک قطعه فتوای خودتان را لطفاً بفرستید که باعث خشنودی بنده است. افسوس که امکان ملاقات میسر نشد.

مخلص قلبی، ۳ اوغوست ۱۹۰۶، عبدالرحیم تبریزی

-۳-

فدایت شوم اینک عکس خود را با هزار دعای قلبی و افسوس از عدم ملاقات و انفکاک جنابعالی و از هم پاشیدگی کارهای خیر و مایه سعادت و شرف ایران و ایرانیان تقدیم حضور عالی نموده اینقدر عرض می کنم که خدا امثال جنابعالی را زیاد بکند. ولی امیدوارم که بزودی جنابعالی را در مقام بلند و موقع ارجمندی ببینم و اگر عمر من وفا نکرد خودتان استجاب این دعا و صدق نیت این پیروطن پرست را می بینید. استدعا دارم گاهی از حالات خودتان هر جا تشریف داشتید بنده عاشق دیانت و حالت و کفایت خودتان را بی اطلاع نگذارید.

به دوست محترم مهدی عباس آقا عرض کرده بودم یک جلد مسائل تقدیم نماید و یک جلد مسائل الحیات، اگر تا تشریف بردن جنابعالی نیامده باشد بفرمائید بعد از رسیدن به محل اقامه جنابعالی بفرستند. هر جا بروید خدا همراهمان باد.

بنده دعا گوی شما، عبدالرحیم تبریزی، ۱۲ رجب ۱۳۲۴

(بر پشت عکس نوشته است)

این عکس بی وجود خود را حضور جناب جلالت مآب آقای معاضد السلطنه که مأمور غیور و صادق و کافی وطن پرست و مایه افتخار دولت و ملت ایران در قونولگری بادکوبه بوده به یادگاری ذکر خیر ایشان که وظیفه عموم وطن پرستان است تقدیم می کنم که احساسات بنده را در نیکوکارهای بی نظیر خودشان بدانند و افسوس قلبی بنده را از استعفای خودشان از مأموریت مهمه بادکوبه از این سطور مختصر تفصیلاً بخوانند. خدایت توفیق دهد و به مراتب عالیه که صدقاً مستحق نیل او هستید برساند که در استجاب این دعای خود تردیدی ندارم. مخلص قلبی و دعا گوی دائمی، عبدالرحیم تبریزی، ۱۲ رجب ۱۳۲۴ [از] ترخان شوره می فرستم. افسوس که همدیگر را در این مدت نتوانستیم ملاقات نمائیم.